

من تازه ۲۴ ساله شده‌ام. ۴ سال قبل زمانی که منشی یک شرکت بودم با احسان آشنا شدم. او هم ویزیتور بود و هر هفته به شرکت ما می‌آمد. ما آنجا با هم آشنا شدیم و سرانجام احسان از من خواستگاری کرد. وقتی رابطه ما ادامه پیدا کرد و احساس کردم عاشق احسان هستم موضوع خواستگاری را با خانواده‌ام مطرح کردم و بالاخره هم او به خانه ما آمد. من شرایط بسیار سختی داشتم و پدرم به راحتی به من اجازه ازدواج را نمی‌داد. وقتی احسان را دید گفتم فرد مناسبی برای ازدواج نیست و به من گفت هر طور شده اجازه نمی‌دهد من با احسان ازدواج کنم. وقتی موضوع را به احسان گفتم دیگر اصراری به این ازدواج نداشت اما من آنقدر عاشق شده بودم که می‌خواستم هر طوری شده احسان را در زندگی‌ام نگه دارم. به همین خاطر به او گفتم کمی تحمل کند، من هر طوری شده خانواده‌ام را راضی می‌کنم و بالاخره هم این کار را کردم. هر طور که می‌شد با پدرم صحبت کردم و هر دلیلی که داشتم برایش گفتم، قبول نکرد. یک روز صبح به پشت‌بام رفتم و به پدرم گفتم اگر اجازه ندهد با احسان ازدواج کنم خودکشی می‌کنم. پدر که آبرویش را در خطر می‌دید قبول کرد به من گفت به احسان بگو شب به خانه بیاید و با هم صحبت کنیم. آن شب پدرم خیلی عصبانی بود، به من گفت که او و احسان را برای چند ساعتی تنها بگذارم. بعدها از احسان شنیدم که پدرم به او گفته است با یک عروسی ساده همه چیز را تمام کند و تأکید کرده بود فقط از ترس آبرویش این کار را می‌کند و قلباً به این ازدواج هیچ رضایتی ندارد.

مراسم عروسی ما را پدر احسان برگزار کرد. خانه کوچکی اجاره کردیم و زندگی‌مان آغاز شد. خیلی سختی کشیدم، اما هیچ‌وقت خسته نمی‌شدم چون احسان را دوست داشتم. با سن کمی که داشتم در شرکت تا دیروقت کار می‌کردم که اضافه‌کار بگیرم. یک سال بعد از ازدواج‌مان بود که من باردار شدم. فکر می‌کردم که احسان از شنیدن این موضوع خیلی خوشحال می‌شود اما در کمال ناباوری وقتی به او گفتم باردار هستم ناراحت شد و از من خواست که هر طور شده بچه را از بین ببرم. انجام این کار برایم خیلی سخت بود و حاضر نمی‌شدم فرزندم را خودم از بین ببرم. یک روز به طور ناگهانی حالم بد شد. وقتی احسان مرا به بیمارستان رساند گفتند که بچه از بین رفته است. بعدها متوجه شدم احسان دارویی در غذای من ریخته که موجب از بین رفتن بچه شده است. بعد از آن بود که دیگر هیچ‌وقت رابطه من و احسان درست نشد. خیلی از او دلگیر بودم، با این حال زندگی‌مان را ادامه می‌دادیم. می‌دانستم اگر در آن شرایط بخواهم طلاق بگیرم هیچ پشتیبانی ندارم.

۲ سال از ازدواج‌مان گذشته بود که شب احسان به خانه نیامد. هر چه با تلفن همراهش تماس گرفتم فایده‌ای نداشت. موضوع را به خانواده‌اش گفتم و همه با هم تمام بیمارستان‌ها و کلانتری‌ها را گشتیم. هر جایی که فکر می‌کردم احسان رفته باشد را به تنهایی هم جستجو کردم. بعد از مدتی یک روز پدر احسان به من گفت زیاد دنبالش نگرد اگر زنده باشد خودش برمی‌گردد. بی‌تفاوتی او نسبت به این مسئله خیلی برایم عجیب بود. او به طور ناگهانی دست از جستجو کشید. یک سال از گم شدن احسان گذشت و از او خبری نشد. در حالی که من همچنان نگران او بودم، متوجه شدم احسان به شمال کشور رفته و در آنجا با دختر عمه‌اش ازدواج کرده است و پدر و مادرش بعد از مدتی در جریان این مسئله قرار گرفته اما سکوت کرده‌اند. او دختر عمه‌اش را که شوهر داشت وادار کرده بود جدا شود بعد با او ازدواج کرده و چند ماه بعد رهایش کرده بود. دیگر معلوم نشد احسان کجا رفت. شاید باز هم خانواده‌اش می‌دانستند و می‌خواستند از من مخفی کنند. حالا دیگر فهمیده‌ام که چه اشتباه بزرگی کرده‌ام. شوهرم مرد فاسدی است حتی اگر نتواند با زنی که می‌خواهد ازدواج کند با او به صورت نامشروع رفت و آمد می‌کند و رابطه دارد ولی این بلایی بود که خودم بر سر خود آوردم.

من هم تصمیم به جدایی گرفتم و موضوع را هم به خانواده خودم و هم به خانواده احسان گفتم. پدر من به شدت مخالفت کرد و به من گفت حق نداری از شوهرت جدا شوی و همان یک بار که آبروریزی به وجود آوردی برایم کافی است. من برای این که بتوانم او را راضی کنم باز هم هر کاری کردم اما پدرم مرد سرسختی است و با این که می بیند من بسیار در عذابم حاضر نیست کمکم کند و اصرار دارد من همین شرایط را ادامه دهم.

خانواده احسان هم هیچ واکنشی نشان ندادند و خیلی بی تفاوت از کنار این مسأله گذشتند. آنها گفتند هیچ دخالتی نمی کنند. حتی حاضر نشدند آدرسی از احسان به من بدهند. شرایطی که شوهرم برایم درست کرده غیر قابل تحمل است و من می خواهم هر طور شده از او جدا شوم حتی اگر پدرم بگوید حاضر نیست مرا در خانه بپذیرد.

اسلاید ۱:

آرزوی بربادرفته یک زن

اسلاید ۲:

فرشته می گوید:

وقتی رابطه من با احسان ادامه پیدا کرد و احساس کردم عاشق احسان هستم. موضوع خواستگاری را با پدرم در میان گذاشتم اما زمانی که پدرم احسان را دید گفت فرد مناسبی برای ازدواج نیست و من چنین اجازه‌ای نمی‌دهم.

اسلاید ۳:

نکته:

گاه غلبه احساسات و هیجانات عاشقی اندیشه و تعقل فرد را در ارزیابی معیارهای زندگی سست می‌سازد و در نتیجه عیوب و نقایص طرف مقابل نادیده گرفته می‌شود.

توضیح: چنین دوستی‌ها و عشق‌ها تنها بر اساس احساسات نسنجیده می‌باشد و پس از اینکه دختر و پسر به هم می‌رسند با گذشت زمان کوتاهی در مواجهه با واقعیت‌های زندگی این عشق فروکش می‌کند که نشان‌دهنده تصمیمات آنی متزلزل و از روی بی‌ارادگی می‌باشد. زن و مرد پیش از ازدواج دو شخصیت متفاوت هستند که در اغلب موارد جهات مشترکی در بین آن دو نیست. آتش شوق و شدت رسیدن پیش از زناشویی آن‌دو را وادار می‌کند که نقابی بر چهره حقیقی خود بگذراند و شخصیت واقعی خود را مکتوم کنند ولی اختلاف سلیقه پس از ازدواج سریعاً بروز می‌کند و دیگر کتمان آن محال است و سرانجام چنین فریب و ریایی جدایی است.

اسلاید ۴:

هشدار

از انتخاب بر اساس دلدادگی و عشق آنی بپرهیزید. عاشق شدن تجربه‌ای بسیار مهم و قدرتمند است اما برای برپایی ازدواجی موفقیت‌آمیز چیزی بیش از عشق لازم است.

اسلاید ۵:

فرشته ادامه می‌دهد:

وقتی موضوع مخالفت پدرم را به احسان گفتم دیگر اصراری به این ازدواج نداشت ولی من آنقدر عاشق شدم که می‌خواستم احسان را در زندگی‌ام نگه دارم تا اینکه پدرم را تهدید کردم و گفتم اگر اجازه ندهد خودکشی می‌کنم.

اسلاید ۶:

نکته:

در برخی مواقع اصرار فوق‌العاده و بعضاً تهدیدآمیز دختر یا پسر داوطلب ازدواج یا هر دو طرف فرصت مطالعه، تحقیق، بررسی، ارزیابی و سنجش معیارهای تناسب و کفویت را از فرد ذی‌ربط سلب می‌کند.

اسلاید ۷:

سوال:

چگونه فرشته در تعبیه سنگ‌بنای خانه مشترک خود اشتباه می‌کند؟

اسلاید ۸:

\* قبل از شناخت عاشق می‌شود.

\* بدون شناخت انتخاب می‌کند.

\* از ابزاری که می‌تواند به شناخت او کمک کند تا به یک انتخاب صحیح برسد کمک نمی‌گیرد.

\* به تجربه والدین خود بی‌توجهی می‌کند و با ساختن یک قالب ذهنی به نام «عشق به احسان» تمامی دلایل آن‌ها را مبنی بر نامناسب بودن احسان نادیده می‌گیرد.

\* برای گرفتن موافقت پدرش با فشار و تهدید، برای همیشه حمایت خانواده خود را از دست می‌دهد.

و...

اسلاید ۹:

توجه کنید:

آیا فرشته می‌داند که شناخت قبل از عاشق شدن ضروری است؟

خیر

توضیح: ازدواج پی‌ریزی زندگی جدید است. پدیده‌ای که سرنوشت دختر و پسر با آن رگم می‌خورد و طرفین نیک بختی را برای همیشه با یک انتخاب فراروی خویش قرار می‌دهند پس عقل ایجاب می‌کند تا طرفین گزینش همسر را از انتخاب هم‌سفر، هم‌اتاقی و یا از خرید کالا متمایز و مهمتر بدانند، چون هر یک از این‌ها در صورت ناپسند بودن قابل تعویض هستند، اما ازدواج تعویض را بر نمی‌تابد.

از طرفی وقوع فزاینده «طلاق» به عنوان واقعیتی تلخ زنگ خطری است که باید جوانان را از نگرش سطحی به مسأله تشکیل خانواده و انجام حرکت‌های شتابزده و احساساتی و غفلت از بررسی و شناخت صحیح برحذر دارد.

آمار نشان می‌دهد در میان علل طلاق، علت‌هایی در ردیف‌های ابتدایی واقع شده‌اند که ریشه در حالات روحی و خلق و خو و ظواهر طرفین دارند که همگی آن‌ها با بررسی دقیق قبل از ازدواج قابل شناسایی و پیشگیری هستند. در بررسی این علت‌ها اکثر آن‌ها پدیده‌هایی هستند که پیش از خواستگاری وجود داشته‌اند ولی از روی سهل‌انگاری، بی‌دقتی و احساسات به آن‌ها توجه نشده است. زمان پی‌بردن به خصوصیات خلقی و فردی شخص مورد نظر، منحصر در مراحل پیش از ازدواج و حتی پیش از خواستگاری است و گرنه پی‌بردن به خصوصیات اخلاقی، فکری و ظاهری یکدیگر، آن هم پس از عقد ازدواج، چه بسا به عنوان نوش داروئی پس از مرگ سهراب محسوب می‌شود.

## اسلاید ۱۰:

هشدار

رابطه‌های پنهانی قبل از ازدواج آفت شناخت است.

توضیح: رابطه با جنس مخالف از آنچنان جاذبه‌ای برخوردار است که به هیچ‌یک از طرفین اجازه نمی‌دهد تا ابتدا بر حسب معیارهای منطقی و رسم اجتماعی نسبت به هم شناخت پیدا کنند و آن‌گاه به سوی یکدیگر جذب شوند بلکه از همان آغاز، به اقتضای خصوصی و پنهانی بودن روابط و به سبب عدم حضور اولیا و دیگر اعضای خانواده و نیز به حکم غریزه و احساسات نفسانی، خواه‌ناخواه به جنبه‌های نفسانی و کشش‌های زودرس دچار می‌شوند و دیگر جایی برای بررسی، تحقیق و شناخت باقی نمی‌ماند.

## اسلاید ۱۱:

آیا فرشته می‌داند به چه چیزهایی از طرف مقابل باید شناخت پیدا کند؟

خیر

توضیح: زوجین قبل از دلبستگی و صمیمیت باید به بحث بنشینند و به درکی راضی کننده برای هر دو طرف در موارد زیر برسند:

- ۱ - عقاید و فرایض دینی و....
  - ۲ - رابطه جنسی شامل نگرشها و علایق جنسی.
  - ۳ - مسائل مالی ( میزان اهمیت آن و نحوه خرید و تدابیر سرمایه‌گذاری).
  - ۴ - مسائل بهداشتی و سلامتی اعم از روانی و جسمی شامل گرایشات فرد به ورزش، بهداشت فردی و غیره.
  - ۵ - مدیریت خانه و نقش و مسوولیت هر یک در آن.
  - ۶ - زمان فرزندآوری و مسائل مربوط به تربیت آن‌ها.
  - ۷ - نوع تفریحات و سرگرمی‌های طرفین.
  - ۸ - میزان و نوع ارتباط با خویشاوندان و نزدیکان طرفین.
  - ۹ - محل و چگونگی مکان زندگی.
  - ۱۰ - تاریخچه و سابقه خانوادگی فرد مقابل.
  - ۱۱ - خلق و خوی فردی و واکنش‌های او در قبال آنچه برای یکی از طرفین اهمیت ویژه دارد و تشخیص سازگاری روحی و شخصیتی دو طرف.
  - ۱۲ - تعهدات اجتماعی هر یک از طرفین.
  - ۱۳ - اهداف و آرزوهای فردی آن‌ها.
- به نظر می‌رسد فرشته بسیاری از فاکتورهای فوق را مورد بررسی قرار نداد و قبل از هرگونه توجه به این موارد تنها به جاذبه و کشش ایجاد شده بین خود و احسان فکر کرد و احساس نمود که عاشق شده است.

## اسلاید ۱۲:

و بالاخره...

آیا فرشته می‌داند از چه طریقی باید به این شناخت دست یابد؟

خیر

توضیح: زمانی که او به ضرورت شناخت و مواردی که به شناخت منجر می‌شود بی‌توجه است مسلماً راه‌های رسیدن به آن را نیز نمی‌داند و اهمیت نمی‌دهد. اما اگر او عاقلانه فکر می‌کرد روش زیر را انتخاب می‌نمود.

۱ - قبل از هر چیز هدف خود را از ازدواج معلوم می‌کرد و مشخص می‌نمود که معیارهایش چیست و باید چه باشد.

۲ - قبل از هرگونه دلبستگی، در مورد فرد مورد نظرش تحقیق می‌کرد.

۳ - از مشاورین، خانواده و افراد دلسوز و آگاه کمک می‌گرفت و سوالات کلیدی را در نشست با احسان مطرح می‌کرد تا از لابه‌لای جواب‌ها بهتر بتواند به روحيات، خواسته‌ها و گرایش‌ها او پی ببرد.

۴ - از آشنایان و دوستان صمیمی احسان کمک می‌گرفت تا با رفتارهای اجتماعی و فردی او بیشتر آشنا شود.

۵ - به مشاوره قبل از ازدواج اهمیت می‌داد و جلسات متعدد آن را ادامه می‌داد تا به شناخت کامل او به کمک مشاورین متخصص دست یابد.

اسلاید ۱۳:

آثار راه اشتباهی که فرشته رفته است...!!

یک سال بعد من باردار شدم. احسان از من خواست که هر طور شده بچه را از بین ببرم که من حاضر نشدم و احسان با دارویی موجب از بین رفتن بچه شد و بعد از آن دیگر هیچ وقت رابطه من و احسان درست نشد.

اسلاید ۱۴:

نکته:

باید قبل از وارد شدن به زندگی زناشویی در موضوعات مهم زندگی از جمله فرزنددار شدن، توافق نظر وجود داشته باشد که توافقی‌های زیاد قبل از ازدواج، روابط بعد از ازدواج را نیز محکمتر کرده و معنی و مفهوم بهتری را به زندگی زناشویی می‌دهد.

اسلاید ۱۵:

فرشته ادامه می‌دهد:

یک شب احسان به خانه نیامد. من و خانواده‌اش هر جایی که فکر می‌کردم احسان رفته باشد جستجو کردیم تا اینکه یک روز به طور ناگهانی خانواده‌اش دست از جستجو کشیدند در حالی که من همچنان نگران او بودم.

اسلاید ۱۶:

به این نکته توجه کنید که:

فردی که به خاطر مشکلات زندگی، همسرش را ترک می‌کند و برای پیدا کردن زندگی بهتر به دیگری دل می‌بندد، فردی است که تفکر واقع‌بینانه نسبت به زندگی زناشویی ندارد و برای حل مشکل فرار از آن را انتخاب می‌کند.

توضیح: زندگی عاری از مشکلات، موانع، ناراحتی‌ها و ناکامی‌ها نیست و هرگز همسران یک آدم کامل و بی‌عیب و نقصی نیست و اگر بپذیریم همسرمان شخصی جایز الخطاست و نسبت به زندگی یک تفکر واقع‌بینانه داشته باشیم و مسوولیت کامل کنشها و واکنشهای هیجانی و رفتاری خود را بپذیریم و قبول داشته باشیم که ازدواج دارای فراز و نشیب است اکثر توقعاتمان از زندگی زناشویی برآورده می‌شود. زن یا شوهری که زندگی زناشویی خود را ترک می‌کند افرادی هستند که از نظر روانشناختی پختگی لازم را برای زندگی ندارند و خود را عاری از نقص می‌دانند و مسوولیت هیچ یک از رفتارهای خود را نمی‌پذیرند و علت مشکلات را در دیگران جستجو می‌کنند. اینگونه افراد قدرت حل مشکلات خود را ندارند و وقتی با مشکلی روبرو می‌شوند آن را برطرف نمی‌کنند بلکه صورت مسأله را پاک می‌کنند. اینگونه از افراد به دلیل شخصیت ضعیفی که دارند همیشه فرار از مشکلات را به جای مقابله با مشکلات انتخاب می‌کنند که با این رفتار به جای کاهش مشکلات، دامنه مشکلات زناشویی را هم برای خود و همسر و در صورت داشتن فرزندان افزایش می‌دهد. این خصوصیات شخصیتی با انجام تستها و مشاوره‌های قبل از ازدواج توسط مشاورین متخصص قابل تشخیص است.

اسلاید ۱۷:

و عاقبت...

بعد از مدتی متوجه شدم او دختر عمه‌اش را که شوهر داشت و اداری کرده که از همسرش جدا و بعد با او ازدواج کند و چند ماه بعد او را رها کرده است.

توضیح: در این پرونده مرد دچار تزلزل در تصمیم‌های خود و بی‌ارادگی شدید است. احسان در هر شرایطی احساس خوشایندی نسبت به زندگی‌اش ندارد و برای به دست آوردن این احساس دست به کارهای غلطی از جمله ترک همسر و ازدواج مجدد نموده است. ازدواج دوم مرد منجر به بد شدن شرایط زندگی برای زن اول می‌شود و زن احساس سردرگمی و عدم ثبات در زندگی می‌کند زیرا تکیه‌گاه خود را در زندگی از دست داده و مرد محبت خود را نسبت به او تقسیم یا از آن محروم نموده است. زن نسبت به زندگی مشترک بدبین و نسبت به همسر بی‌اعتماد می‌شود و به دنبال آن نفرت و بدگمانی‌ها شکل می‌گیرد. به طوری که فرشته گفت:

اسلاید ۱۸:

و تصمیم آخر...

شرایطی که احسان برایم درست کرده غیرقابل تحمل است و من می‌خواهم هر طور که شده از او جدا شوم حتی اگر پدرم بگوید حاضر نیست مرا در خانه بپذیرد.

اسلاید ۱۹:

هشدار

می‌توان از آغاز، راهی رفت که به تلخی طلاق نینجامد.

اسلاید ۲۰:

دقت کنید:

آیا با تصمیم فرشته به جدائی، مشکلات وی پایان می پذیرد؟  
خیر

اسلاید ۲۱:

زیرا:

- \* با غایب بودن احسان و نداشتن آدرس از او فرشته باید دادخواست طلاق را با عنوان مجهول‌المکان مطرح کند.
- \* در این صورت باید احسان از طریق نشر آگهی در روزنامه به دادرسی دعوت شود.
- \* فرشته باید ثابت کند احسان زندگی را ترک کرده و به او نفقه‌ای نمی‌پردازد که این امر خود مشکلاتی را از جمله آوردن شهود و یا حتی گرفتن حکم پرداخت نفقه و گواهی اجرای احکام مبنی بر عدم امکان اجرای حکم را به دنبال دارد.
- \* در صورت موفقیت در اخذ حکم طلاق باید دادنامه نیز از طریق نشر آگهی به احسان ابلاغ شود.
- \* چون حکم صادره غیابی است با بازگشت احسان از طرف او قابل اعتراض است که این امر می‌تواند مشکلات زیادی را برای آینده فرشته داشته باشد.

و...

اسلاید ۲۲:

هشدار

با کمی تدبیر و تعقل خود را از مشکلات لاینحل و عذاب‌آور برهانیم.